یادداشت

یدالله جوانی

انقلاب اسلامی حقیقتی تردیدناپذیر

به دلیل وجود پاره‌ای از مشکلات، نارسایی‌ها و ضعف‌ها در کشور با گذشت چهار دهه از زمان پیروزی انقلاب اسلامی، تحت تأثیر جنگ نرم دشمنان از یک سو و استحاله بعضی از نیروهای باسابقه حضور در جریان انقلاب از دیگر سو، افرادی در داخل به دنبال ایجاد تردید در حقیقت انقلاب و از جمله انقلاب اسلامی هستند. این افراد به دنبال ایجاد تردید در ضرورت انقلاب و کارآمدی آن برای حل مسائل هستند. آیا این نگاه نسبت به انقلاب اسلامی، نگاه درستی است؟ چگونه می‌توان درستی و نادرستی این نگاه را اثبات نمود؟ کسانی که به دنبال ایجاد تردید در اصل انقلاب اسلامی هستند، به مشکلات موجود در کشور اعم از سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی اشاره می‌کنند و می‌گویند، همان مشکلات پیش از انقلاب، با گذشت چهار دهه از انقلاب به گونه‌ای دیگر رخ نموده است. مشکلات اقتصادی و معیشتی مردم، فسادهای اقتصادی، مالی و اداری، تبعیض و بی‌عدالتی و آلودگی مسئولان، نمونه‌هایی از مشکلاتی است که معتقدین به این دیدگاه به آن استناد می‌کنند. آنان می‌گویند در رژیم گذشته این مشکلات بود، اکنون هم این مشکلات وجود دارد. با استمرار این مشکلات، چه ضرورتی داشت که انقلاب انجام شود؟ آیا این استدلال برای ایجاد تردید در حقیقت و اصل انقلاب اسلامی و ضرورت آن، استدلال محکم و قابل قبولی است؟ به نظر می‌رسد کسانی که چنین نگاهی را به انقلاب دارند و به راحتی ضرورت آن را نفی می‌کنند، چند چیز را نادیده می‌انگارند:

الف- ماهیت رژیم گذشته؛ ب- سلطه بیگانه بر کشور؛ ج- عقب‌ماندگی‌های ایران در حوزه‌های گوناگون و د- دستاوردهای انقلاب اسلامی در ابعاد مختلف.

برای اثبات حقانیت انقلاب اسلامی و ضرورت تاریخی چنین انقلابی در ایران، فقط کافی است که یک لحظه تصور کنیم اگر انقلاب اسلامی به وقوع نمی‌پیوست، اکنون ایران و مردم در چه شرایط و وضعیتی قرار داشتند؟ آیا آنچه با انقلاب اسلامی به دست آمده، بدون انقلاب هم دست‌یافتنی بود؟ مواردی از قبیل:

۱- با انقلاب اسلامی، خودباختگی و سرخوردگی و ضعف نفس ملی به خودباوری، اعتماد و عزت ملی تبدیل شد. آیا این دستاورد با وجود رژیم وابسته پهلوی، از طرق دیگر دست‌یافتنی بود؟ رژیمی که نخست‌وزیرش می‌گفت ایران آفتابه هم نمی‌تواند بسازد(!) چگونه می‌توانست چنین تحولی را در جامعه ایران پدید آورد که «ما می‌توانیم» جایگزین «ما نمی‌توانیم» شود؟

۲- با انقلاب اسلامی، ایران از چنگال امریکا خارج شد و ملت ایران به استقلال کامل سیاسی دست یافت. آیا بدون انقلاب، رهایی از چنین وضعیت اسفباری که امریکایی‌ها حتی شاه را هم تحقیر می‌کردند و به او دستور می‌دادند و او چاره‌ای جز تبعیت نداشت، ممکن بود؟ فراموش نکنیم که بیگانه در دوره پهلوی در تمام تار و پود کشور نفوذ کرده بود. فقط در ارتش ایران قبل از انقلاب، هزاران امریکایی حضور داشتند که در واقع، فرماندهی ارتش با آنان بود.

۳- با انقلاب اسلامی، حاکمیت ملی تحقق پیدا کرد و در ۴۰ سال گذشته، این مردم ایران بودند که مسئولان کشور را به صورت مستقیم و غیرمستقیم انتخاب کرده‌اند. در دوران قبل از انقلاب مردم در اداره کشور چه نقشی داشتند؟ رضاخان را که انگلیسی‌ها به قدرت سلطنت رسانده و آنگاه که منافع‌شان را تأمین نکرد، از ایران خارج کردند! محمدرضا شاه هم که منتخب خارجی‌ها بود و با کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ پایه‌های حکومت استبدادی‌اش را تحکیم کردند، نخست‌وزیران و نمایندگان مجلس را هم که سفارتخانه‌های خارجی و دربار مشخص می‌کردند. آیا بدون انقلاب، امکان تغییر در چنین وضعیتی وجود داشت؟ اکنون در جمهوری اسلامی، مسئولان و دولت‌ها به صورت حقیقی با رأی مردم انتخاب می‌شوند.

۴- با انقلاب اسلامی، سطح زندگی مردم و برخورداری آنان از رفاه عمومی و خدمات اجتماعی به طور کلی متحول شد. آمارها در این حوزه، از واقعیات خبر می‌دهد. وضعیت بهداشت و سلامت مردم، وضعیت شبکه‌های مواصلاتی و جاده‌ها، وضعیت شبکه برق و تعداد مشترکین، وضعیت شبکه آب آشامیدنی و تعداد مشترکین، وضعیت شبکه‌های مخابراتی و تعداد مشترکین، وضعیت خطوط ریلی و هوایی و ظرفیت بنادر، وضعیت سواد و تعداد مراکز آموزشی و دانشگاهی، وضعیت تولید علم و فناوری و...، در دوره قبل از انقلاب و بعد از انقلاب چگونه است؟ انصاف داشته باشیم در تمامی این حوزه‌ها، دستاوردها، موفقیت‌ها و پیشرفت‌ها، به رغم محدودیت‌ها و تحریم‌ها، شگفت‌انگیز است.

۵- با انقلاب اسلامی، ملتی که امنیتش را با تکیه بر بیگانه تأمین می‌کرد، به خوداتکایی دفاعی و امنیتی دست یافت. اکنون جمهوری اسلامی یک کشور مستقل و دارای قدرت بازدارندگی نظامی است؛ آیا بدون انقلاب این امر ممکن بود؟

۶- با انقلاب اسلامی، ایران متحد ظالمین و ستمگران تاریخ مانند امریکا و رژیم کودک‌کش صهیونیستی، تبدیل به ایران مدافع مظلومین شد، آیا این تحول بدون انقلاب ممکن بود؟ فراموش نکنیم که در دوران قبل از انقلاب به دلیل کمک‌های شاه به اسرائیل غاصب، در جهان اسلام به ایرانی‌ها، اخالیهود (برادر یهود) می‌گفتند! اما اکنون ملت مظلوم فلسطین، ایرانی‌ها و رهبر ایران را، صادق‌ترین حامی خود می‌دانند.

مواردی از قبیل آنچه گفته شد، بسیار است. دستاوردهایی که بدون انقلاب اسلامی، امکان تحقق نداشت. نظام ولایی با رهبری دینی، مهم‌ترین دستاورد این انقلاب است. پیشرفت‌ها و موفقیت‌های راهبردی در ۴۰ سال گذشته، عمدتاً در حوزه‌هایی رخ داده که مسئولان و مردم، در تبعیت از ولایت سنگ تمام گذاشته‌اند. اما آن مشکلات، ضعف‌ها و نارسایی‌هایی که سبب تردید عده‌ای در اصل انقلاب شده، در حوزه‌هایی است که عمدتاً مسئولان و بعضاً مردم، تدابیر، رهنمودها و اوامر رهبری را جدی نگرفته‌اند. معنای این سخن است که مشکلات و نارسایی‌ها، ریشه در انقلاب ندارد، بلکه انقلابی عمل نکردن برخی از مسئولان، دلیل اصلی این مشکلات است. انقلاب ضد فقر، ضد فساد، ضد تبعیض و بی‌عدالتی، ضد رانت و خاصه‌خواری و ضد زندگی اشرافی برخی از مسئولان است. در ۴۰ سال گذشته، آنجا که انقلابی عمل شده، پیشرفت‌ها و موفقیت‌ها بوده، بنابراین به جای تردید ایجاد کردن و زیر سؤال بردن شخصیت و اصل انقلاب، باید با غلبه دادن گفتمان انقلابی در کشور، تمامی نارسایی‌ها، مشکلات و ضعف‌ها را برطرف کرد.

خبر آخر

اعلام مسیرهای دهگانه راهپیمایی ۲۲ بهمن

قائم مقام شورای هماهنگی تبلیغات اسلامی مسیرهای دهگانه راهپیمایی ۲۲ بهمن را اعلام کرد.

به گزارش فارس، نصرت الله لطفی در نشست خبری تشریح برنامه‌های یوم‌الله دهه فجر مسیرهای دهگانه راهپیمایی را به شرح ذیل اعلام کرد.

مسیر شماره ۱: مسجد امام حسین، میدان امام حسین، میدان آزادی

مسیر شماره ۲: مسجد ابوذر، میدان ابوذر، میدان آزادی

مسیر شماره ۳: مسجد امام هادی، خیابان شهید آقایی، میدان معلم، میدان آزادی

مسیر شماره ۴: مسجد دارالسلام، میدان منیریه، میدان آزادی

مسیر شماره ۵: مسجد الجواد، میدان هفت تیر، میدان آزادی

مسیر شماره ۶: مسجد حضرت امیر، خیابان کارگر شمالی، میدان آزادی

مسیر شماره ۷: مسجد المهدی، خیابان ستارخان، میدان آزادی

مسیر شماره ۸: مسجد حضرت ابوالفضل، خیابان ستارخان، میدان آزادی

مسیر شماره ۹: مسجد امام سجاد، خیابان آیت‌الله اشرفی اصفهانی، میدان آزادی

مسیر شماره ۱۰: مسجد امام جعفر صادق، فلکه دوم صادقیه، میدان آزادی

خبریک

به‌رغم برخی نارسایی‌های اقتصادی

چرا مردم ایران باز هم غرب را شگفت‌زده می‌کنند

فاطمه عرفانیان | جوان

نگاهی به اتفاقات ۳۰ سال گذشته نشان می‌دهد که باوجود برخی مشکلات اقتصادی مردم ایران باز هم غرب را در خصوص حمایت از نظام جمهوری اسلامی ایران شگفت زده می‌کنند.

میدان‌های انقلاب اسلامی و آزادی را می‌توان دو سمبل مهم از خیزش ملت ایران به رهبری حضرت امام خمینی (ره) دانست.

حدفاصل این دو میدان شاهراه اصلی راهپیمایی ۲۲ بهمن است؛ راهپیمایی‌ای که تجلی بیعت مردم ایران با آرمان‌های انقلاب اسلامی و دفاع از کیان ایران اسلامی است. حضور مردم در این راهپیمایی به عنوان معیاری از میزان حمایت مردمی از نظام جمهوری اسلامی ایران تعیین می‌شود و همین حضور گاه نشانه‌ای از پایان برخی بحران‌های ملی بوده است.

به عنوان مثال حضور پر شور مردم در راهپیمایی ۲۲ بهمن سال ۸۸ نمادی از پایان چندین ماه آشوب در داخل کشور بوده است. با این وجود و در آستانه ۴۰ سالگی انقلاب اسلامی این سؤال مطرح است که آیا حمایت مردم از انقلاب اسلامی و دستاوردهای آن همچنان به اندازه سال‌های ابتدایی انقلاب اسلامی است.

آیا می‌توان انتظار داشت که این حمایت گسترده در سیر تحولات گوناگون همچنان بر جای خود استوار است و یا تحول دیگری در بینش مردم ایران نسبت به انقلاب اسلامی ایجاد شده و باید انتظار تحولات جدی را در آینده داشت.

■ داستان‌های خیابان انقلاب

اگر بخواهیم به این سؤال پاسخ جامعی بدهیم باید به داستان‌های بین این دو میدان نگاهی دیگر بیندازیم. این خیابان همواره محلی برای حمایت از نظام جمهوری اسلامی ایران نبوده است. در طول ۳۰ سال گذشته و به خصوص پس از پایان دفاع مقدس و در بزنگاه‌های حساس این خیابان صحنه رویارویی برخی گروه‌های سیاسی و طرفداران آنها با نظام جمهوری اسلامی ایران بوده است.

اولین موردی که می‌توان از آن یاد کرد درگیری‌های کوی دانشگاه در سال ۷۸ است که میدان انقلاب و برخی خیابان‌های اطراف آن را به صحنه نبرد خیابانی بین نیروهای پلیس و برخی آشوبگران تبدیل کرده بود.

اگرچه در نهایت آشوبگری‌ها با ورود مستقیم سپاه پاسداران انقلاب اسلامی به معرکه به طور کامل پایان یافت اما آنچه سبب شد تا این فتنه به طور کامل پایان بپذیرد، حضور دهها هزار نفر از مردم تهران در حمایت از نظام جمهوری اسلامی ایران در این خیابان بود.

البته این سلسله تجمعات تنها محدود به تهران نبود، بلکه در سایر شهرها نیز تکرار شد اما این تجمع مردمی نشان داد که نظام جمهوری اسلامی از چنان مقبولیتی در بین مردم برخوردار است که بتواند پاسخی دندان شکن به اعتراضات آشوبگرانه بدهد. این حضور گسترده در حالی اتفاق می‌افتاد که برخی از حامیان این شورش‌ها در پست‌های حساس دولتی و امنیتی مشغول به کار بودند.

این خیابان خاطره‌ساز همچنین بارها و بارها شاهد حضور گسترده مردم برای تشییع پیکر شهدا بوده است. شهدایی که به عنوان حامیان معنوی نظام جمهوری اسلامی شناخته می‌شوند. این در حالی بود که برخی از اندیشمندان اجتماعی در ایران اعتقاد داشتند که جامعه ایران در حال فاصله گرفتن از ارزش‌هایی همچون شهادت و یا فداکاری در راه اسلام هستند، اما استقبال گسترده مردم از کاروان‌های شهدا نشان داد که این تفکر اشتباه است.

در کنار این بارها این خیابان شاهد حضور گسترده دسته‌های عزاداری بوده است. دسته‌هایی که عمدتا هدف اصلی خود را از حضور در خیابان نشان دادن حمایت جدی مردم ایران از شعائر مذهبی تعریف می‌کردند. با این حال جدی ترین آزمون در این خیابان برای اثبات پایداری نظام جمهوری اسلامی در سال ۸۸ روی داد.

■ زمانی که نظام زورآزمایی ۸۸ را برد

سال ۸۸ را می‌توان سالی توصیف کرد که نظام جمهوری اسلامی ایران با جدی‌ترین چالش سیاسی خود در طول برگزاری انتخابات‌های ریاست جمهوری روبه رو شد. اعتراض به نتایج انتخابات ریاست جمهوری از سوی یکی از کاندیداها به سرعت تبدیل به یک فتنه همه جانبه شد که خشونت اصلی‌ترین وجه آن بود.

اوج این تقابل را می‌توان در ظهر عاشورای سال ۸۸ دانست که حضور آشوبگران منجر به توهین به مهم ترین نماد مذهبی مردم ایران شد.

در کوتاه‌ترین زمان ممکن تجمع‌های گوناگونی در محکومیت این اقدام و حمایت از نظام جمهوری اسلامی در نقاط مختلف به راه افتاد که در نهایت منجر به پایان قطعی فتنه سال ۸۸ شد. اوج این پایان نیز همانگونه که پیش از این به آن اشاره شد در روز ۲۲ بهمن روی داد که نظام جمهوری اسلامی را به پیروز اصلی این منازعه تبدیل کرد.

■ این بار هدف اقتصادی است

حالا به نظر می‌رسد که دشمنان نظام جمهوری اسلامی ایران قصد دارند با حربه اقتصاد و ایجاد شورش خیابانی به دنبال فشار بر ایران باشند. جدی ترین نشانه چنین اقدامی برخی آشوب‌های پراکنده در نقاط مختلف ایران بود؛ آشوب‌هایی که بعدها روشن شد سرویس‌های جاسوسی کشورهای غربی و عربی در پشت سر آن قراردارند. اوضاع به گونه‌ای است که مقامات سابق غربی به وضوح در دستور کار بودن چنین اقدامی را علیه ایران تأیید می‌کنند.

به عنوان مثال بن آمی وزیر اسبق خارجه رژیم صهیونیستی طی سخنان می‌گوید: غلبه بر چالش‌های داخلی مسئله مهم‌تری است. در حالی که آینده گذرگاه ایجاد شده توسط ایران به عملکرد نیروهای نیابتی ایران وابسته است، آینده نظام سیاسی در ایران به عملکرد آن در خصوص مسائل داخلی پیوند خورده است. در حالی که برنامه‌های خارجی ایران میلیاردها دلار برای این کشور هزینه داشته است، تنگناهای اقتصادی باعث شده است، دولت در داخل کشور مجبور شود که به میزان بیشتری از یارانه‌های پرداختی به مردم بکاهد. اخبار منتشره درباره برنامه دولت برای کاهش بیشتر یارانه‌های پرداختی در اعتراضات اخیر در ایران مؤثر بود. این موضوع به ویژه در دوره فعلی که تحولات فناوری دیجیتال شکاف بین نسل‌ها را افزایش داده، از اهمیت بیشتری برخوردار است. در شرایطی که نیمی از جمعیت ایران زیر ۳۰ سال دارند و بیکاری در میان جوانان به ۲۵ درصد رسیده است.

حالا این سؤال به صورت جدی مطرح است که با این فاز جدید از فشار روانی علیه ایران می‌توان باز هم به حضور گسترده مردم در شاهراه اصلی راهپیمایی روز ۲۲ بهمن امیدوار بود.

■ تکرار تراژدی برای غربی‌ها

واقعیت این است که به رغم تمام امید کشورهای غربی به ایجاد نوعی تغییر آرام در نظام جمهوری اسلامی، به نظر می‌رسد این بار هم مردم ایران مؤسسات غربی به خصوص در حوزه سیاسی را غافلگیر خواهند کرد.

واقعیت این است که مردم ایران به رغم انتقاداتی که به اوضاع اقتصادی و سیاسی دارند همچنان ایمان خود را به نظام جمهوری اسلامی ایران حفظ کرده‌اند. به عنوان مثال در جدیدترین نظرسنجی ایران پل ۸۵ درصد مردم ایران مشکلات فوق از جمله مشکل بیکاری را با اصلاحات جدی قابل حل می‌دانند.

این نظرسنجی به خوبی نشان می‌دهد که اقلیتی کوچک این نظام را قابل اصلاح نمی‌دانند و به خوبی نشان دهد که قرار است چه اتفاقی در ۲۲ بهمن امسال و در خیابان انقلاب روی دهد.

نگاه

آیت‌الله جنتی: مسئولیت حل مشکلات معیشتی را باید به افراد توانمند سپرد

دبیر شورای نگهبان عنوان کرد که در زمینه مشکلات اقتصادی و معیشتی راه‌ها بسته نیست، ولی باید مسئولیت‌ها را به آدم‌های انقلابی و توانمند سپرد.

به گزارش روابط عمومی شورای نگهبان، آیت‌الله جنتی، دبیر شورای نگهبان در نطق پیش از دستور جلسه این شورا با تبریک ایام پر برکت دهه فجر، پیروزی انقلاب اسلامی را مایه برکات فراوان دانست و افزود: مردم ما با سرنگون کردن قدرت طاغوت، برای اولین بار در طول تاریخ حکومت اسلامی را در ایران ایجاد کردند. آیت‌الله جنتی با اشاره به برخی مشکلات اقتصادی و معیشتی مردم، گفت: دشمنان در طول ۴۰ سال گذشته با کارشکنی‌های گوناگون از جمله جنگ تحمیلی هشت ساله، توطئه‌های نظامی، تحریم‌های سنگین و جنگ نرم، قصد نابودی نظام اسلامی را داشتند که بحمدالله تاکنون در این زمینه هم شکست خورده‌اند. وی با بیان اینکه دشمنان نمی‌خواهند مردم، ۴۰ ساله شدن انقلاب خود را جشن بگیرند، درباره برخی تلاش‌ها برای پایه‌گذاری فتنه‌های جدید، هشدار داد و افزود: مسئولان باید مراقب باشند و مجال ندهند فرصت‌طلبان و هتاکان به مقاصد شوم خود دست یابند. آیت‌الله جنتی به سخنان امام راحل اشاره کرد و گفت: ایشان خطاب به مسئولان فرمودند: «کاری نکنیم که بگویند اسلام توان مدیریت ندارد، بلکه باید ثابت کنیم که اسلام می‌تواند مدیریت کند». وی ادامه داد: در زمینه مشکلات اقتصادی و معیشتی راه‌ها بسته و قفل نیست ولی باید مسئولیت‌ها را به آدم‌های انقلابی و توانمند سپرد.

دبیر شورای نگهبان در ادامه با اشاره به مشکلات شدید گوناگون اقتصادی در دیگر کشورها به‌ویژه در امریکا، تأکید کرد: مردم عزیز ما ضمن اینکه حق دارند اصلاح اوضاع اقتصادی را از دولت بخواهند ولی باید صبر و تحمل نیز داشته باشند.

ویژه

■ روحانی به تریبون‌های یک طرفه بازمی‌گردد؟

صادق زیباکلام در سرمقاله روزنامه شرق ضمن توصیفات منفی در مورد نشست خبری رئیس جمهور و نیز گفت‌وگوی تلویزیونی دو هفته قبل او، صراحتاً مطرح می‌کند که چرا اصلاً رئیس جمهور اصرار بر برگزاری نشست خبری دارد! زیباکلام در این یادداشت با تیتر «چرا اصرار بر نشست خبری؟» می‌نویسد: «هر گفت‌وگویی که دکتر روحانی از زمان انتخاب در دور دوم تاکنون انجام داده باعث ریزش شمار بیشتری از آرای او شده است. در خوش‌بینانه‌ترین حالت می‌توان گفت دست‌کم هیچ گفت‌وگویی باعث بالا رفتن محبوبیت رئیس‌جمهور نشده است.»

زیباکلام با اشاره به اینکه مردم با اشتیاق پای تلویزیون می‌نشینند تا سخنان روحانی را در مورد مشکلات خود بشنوند، می‌نویسد: «مخاطب منتظر است ببیند دکتر روحانی چه دستورالعمل، راه‌حل، تدبیر و «چه باید کرد»ی برای مشکلات و نابسامانی‌ها فراهم کرده است. آقای روحانی به‌جز مطالب زیبا و شیوا و یک‌سری کلی‌گویی و وعده و وعید و تلاش برای دادن امید به آینده، عملاً حرف دیگری به مخاطب تحویل نمی‌دهد.» زیباکلام در نهایت آب پاکی را روی دست روحانی و مردم و رسانه‌ها می‌ریزد: «این تنها راه بیان مسائل نیست، حتماً می‌توان از طرق مختلف، مسائل را با مردم در میان گذاشت و تا این حد باورنکردنی، در افکار عمومی ظاهر نشد.»

یعنی رئیس جمهور در گفت‌وگوها و نشست‌های خبری آنقدر ضعیف ظاهر شده که امثال زیباکلام با همه اداهای روشنفکری و لزوم تعامل مستقیم مسئولان با مردم و پاسخگویی به نمایندگان رسانه‌ها ترجیح می‌دهند حسن روحانی نه گفت‌وگو کند و نه مصاحبه؛ فقط می‌ماند سخنرانی که چنین پیشنهادی به روحانی یادآور جملات خود روحانی است که «گویی دوران پیام‌های یک طرفه به سرآمده و کم کم به نقطه‌ای می‌رسیم که جایی برای استبداد پیام نباشد و دیگر دوران رساندن پیام از طریق بلندگوهای یک طرفه، منبرهای یک طرفه، تریبون‌های یک طرفه و سنتی به سرآمده است.»

■ عبور از اصلاحات به سوی شورش!

هاشم آغاجری، از چهره‌های جنجالی اصلاح‌طلب در تازه‌ترین اظهارات خود اصلاح طلبان را به محافظه کاری متهم کرده است که مردم را از سوریه شدن می‌ترسانند، اما مردم نهایت راه شورش را برمی‌گزینند!

آغاجری می‌گوید: «اصلاح‌طلبان تا کی جامعه را از ترس سوریه شدن و امید به بهبود پشت خود نگه می‌دارند؟ مردم مستأصل، بین خودکشی یا شورش، احتمالاً شورش را برمی‌گزینند شاید نجات یابند. اصلاحات ۲۰ سال است تنها پیشنهاد سلبی به مردم می‌دهد: انتخاب بین بد و بدتر! جمع‌بندی دو دهه به مردم آموخته این سیستم اصلاح نشده، بلکه اصلاح‌طلبان محافظه‌کار شده‌اند!» متأسفانه اصلاح طلبان اکنون راه خود را از چنین اظهاراتی جدا نمی‌کنند و حتی نشانه‌هایی از اظهارات برخی دیگرشان هست که تاییدی بر همین سخنان آغاجری مبنی بر بی اثر بودن راه اصلاح طلبانه است و طبیعی است که اذهان به سمت آشوب‌های فتنه ۸۸ برود که هنوز اصلاح طلبان از آن برائت نجسته‌اند و در عین حال شاکی هستند که چرا نظام با آنها رفتار دیگری دارد (اگر ادعایشان مبنی بر رفتار متفاوت نظام را بتوان پذیرفت).

عبارت «پیش‌لرزه» درباره آشوب‌های دی ماه نیز توسط عباس عبدی، از تئوریسین‌های این جریان به صراحت مورد اشاره قرار گرفته است.

■ حامیان فتنه‌گرها می‌خواهند سردمدار گفت‌وگوی ملی شوند!

تناقض اصلاح طلبان در همزمانی دفاع از آشوب و در عین حال دم از گفت‌وگوی ملی دستمایه نقد در یک مصاحبه شده است. اسدالله بادامچیان، فعال سیاسی اصولگرا در گفت‌وگو با سایت اصلاح طلب جماران در مورد گفت‌وگوی ملی گفته است که «اینکه روی آشوب‌های اخیر عنوان اعتراض بگذاریم غلط است. جالب است کسانی که از همین فتنه گرها در فتنه‌های ۷۸ و ۸۸ حمایت می‌کردند می‌خواهند سردمدار گفت و گوی ملی شوند؛ این امر میسر نیست مگر اینکه از گذشته خود عذرخواهی کنند و راه صحیح را پیش بگیرند.» بادامچیان معتقد است اصلاح طلبان چون به بن بست خورده‌اند، بحث گفت و گوی ملی را مطرح می‌کنند و به عنوان شاهد مثال از رسانه‌هایشان می‌گوید: «همین الآن نشریات گوناگون را نگاه کنید؛ اینها وحدت آفرین است؟»

اصلاح طلبان می‌خواهند ادای روشنفکری و گفت‌وگوی ملی بیاند، اما عملاً در همه سال‌های گذشته جز کینه افروزی و دوقطبی سازی در جامعه هیچ نکرده‌اند.

یادداشت

محمد اسماعیلی

نقش ارکان داخلی در تحقق «نارضایتی عمومی»

«ناکارآمد نشان دادن نظام» با «ایجاد نارضایتی عمومی» و «فروپاشی حاکمیت» رابطه مستقیم و غیرقابل انکاری دارد به طوری که باورمند ساختن اینکه میان «انتظارات مردمی» با «اهداف نظام» شکاف وجود دارد، نارضایتی‌های عمومی را افزایش داده و زمینه دوقطبی حاکمیت – مردم را فراهم می‌کند.

طبیعی است که غرب طی سال‌های گذشته تلاش کند جمهوری اسلامی ایران را ناتوان در برآوردن مطالبات مردمی نشان دهد اما آنچه جای بحث و تامل دارد این مسئله است که موازی با تلاش‌های غرب، طیفی در داخل کشور به صورت متراکم و منسجم تلاش می‌کند خود را ذبح کند تا مدیریت نظام و کارآمدی آن با چالش مواجه شود.

از نظر زمانی، همپوشانی غرب با یک طیف داخلی جهت ناکارآمدن نشان دادن نظام، به حدی دارای همگونی است که شباهت جهت‌گیری آنها در برخی از مصادیق داخلی بسیار بحث برانگیز است گویی «کشف حجاب در خیابان انقلاب» رخدادی دست‌ساز و واکنش‌های کنایی برخی از مسئولان ارشد به این دست رویدادهای خرد، کاملا هدفمند است.

ایجاد نارضایتی عمومی در حوزه‌های مختلف اقتصادی، مذهبی، سیاسی و فرهنگی از اهداف عمده نظام سلطه جهت ناکارآمد نشان دادن نظام است که اصل سوژه‌های اینچنینی را جریانی در داخل شکل داده و کشوری مانند امریکا وظیفه موج سواری را بر عهده گیرد.

۱- «نارضایتی مذهبی»: تئوری «دین آسان در مقابل دین سخت» توسط برخی از رهبران سیاسی در داخل کشور قابلیت آن را دارد که موجی از نارضایتی عمومی را نسبت به جهت گیری مذهبی حاکمیت اسلامی ایجاد کند.

ابراز عباراتی نظیر اینکه «نمی توان مردم را به زور به بهشت برد» نه تنها زمینه را برای لیبرالیسم فرهنگی-مذهبی در سطح جامعه فراهم کرده بلکه می تواند منجر به شکاف مذهبی میان مردم و حاکمیت شود. یا در موضع گیری مشابه دیگری عنوان می‌شود: «دولت دینی خیلی خوب است ولی دین دولتی را نمی‌دانم، دین را نباید دست دولت بدهیم».

خلأ تعمدی ایجاد شده در عرصه مذهبی اخیرا با خرده خبر «کشف حجاب در خیابان انقلاب» و با طرح مسئله «حجاب اختیاری-اجباری» و با اظهار نظر افرادی مانند رسول منتجب نیا، عباس عبدی و محسن غرویان وارد فاز جدیدی شده کمااینکه وزارت خارجه امریکا در بیانیه‌ای رسمی ضمن اعتراض نسبت به عدم رعایت حقوق جامعه ایرانی توسط حکومت از ضرورت انتخاب حجاب اختیاری در ایران گفت.

ترامپ در همین باره می‌گوید: «حکومت ایران از مردم ایران می‌ترسد و آنها را آزار می‌دهد.»

۲- «نارضایتی فرهنگی»: انسجام غرب با یک طیف داخلی در جهت ایجاد شکاف میان جامعه با حاکمیت در بعد فرهنگی نیز قابل مشاهده است و در مصادقی مانند «زبان انگلیسی» و «کنسرت» خودنمایی کرد. «مردم خودشان باید بخواهند و دانش‌آموز هم باید خودش بخواهد و باید بتواند انتخاب کند چند زبان می‌خواهد بیاموزد» یا در موضوع کنسرت وبدون توجه به دغدغه‌های اقتصادی مردم از لزوم برگزاری کنسرت در جای جای کشور سخن به میان می‌آید.

به دلیل رویکردهای اینچنینی برخی از مسئولان داخلی بود که بسیاری از سیاستمداران ارشد امریکا در دولت قبل و فعلی این کشور از بی توجهی حاکمیت اسلامی به خواسته‌های فرهنگی جامعه ایران گفته اند، اوباما در همین باره می گوید: «مردم ایران لایق بهترین امکانات بوده و اما جمهوری اسلامی ایران با سیاست‌های خود مانع از دستیابی جامعه ایرانی به اهداف خود است.»

ترامپ نیز در مجمع عمومی سازمان ملل می گوید: «این حکومت تا ابد نمی‌تواند بماند و مردم باید شاد باشند و رونق داشته باشند. رهبران ایران مملکتی با فرهنگ غنی را به کشوری یاغی تبدیل کردند. حکومت ایران نقابی از فساد در برابر ادعای دموکراسی دارد.»

۳- «نارضایتی اقتصادی»: الف- ناتوانی مسئولان اجرایی در تحقق مطالبات اقتصادی مردم، ب- فقدان برخورد مناسب با مسئله فساد و ویژه خواری توسط برخی از افراد در داخل کشور باعث شده که نهایتا منجر به شکل گیری برخی از اعتراضات شد، بستری را به وجود آورده تا غرب در بعد اقتصادی نیز ایجاد نارضایتی عمومی نسبت به سیاست‌های نظام را نیز دنبال کند.

تمرکز امریکا بر پاشنه آشیلی به نام «اقتصاد» به واسطه تحریم و اختصاص دادن بخشی از سخنرانی‌های خود به این مسئله نیز به همین جهت صورت می‌گیرد.

۴- «نارضایتی سیاسی»: کم توجهی به محور مقاومت چه در قالب دیپلماسی و چه در ابعاد معنوی و شکل دهی شعارهای انحرافی مانند «نه غزه نه لبنان جانم فدای ایران» و «فلسطین رو رها کن، فکری به حال ما کن» با فعالیت‌های گسترده سیاستمداران برجسته امریکا و رسانه‌های وابسته به غرب با محور «ایجاد شکاف میان مردم با سیاست‌های منطقه‌ای انقلاب» به طور گسترده دنبال شده است. ترامپ نیز همانند اوباما به مسئله سیاست خارجه ایران ورود کرده و به صورت مشخص تلاش می کند تا احساسات جامعه ایران را نسبت به محور مقاومت تحریک کند. ترامپ می گوید: «ثروت مردم ایران توسط حزب‌الله لبنان خرج می‌شود. مردم ایران بزرگ‌ترین ضرر کننده از حکومت‌شان هستند... صادرات ایران خشونت، خون‌ریزی و هرج و مرج است.»

اوباما نیز اظهار می کند: «مردم ایران تاریخ پرافتخار و ظرفیت‌های فوق‌العاده‌ای دارند اما شعار «مرگ بر امریکا» اشتغالزایی و ایران را امن‌تر نمی‌کند».

۵- همانطور که اشاره شد از دیرباز تاکنون غرب «ناکارآمد نشان دادن حاکمیت اسلامی» را به عنوان یک هدف مستمر مورد توجه قرار داده اما آنچه می‌تواند هدف بدون نتیجه غرب را به مرز تحقق نزدیک کند، موضع گیری، جهت گیری و سیاست‌هایی است که توسط برخی از چهره‌های برجسته داخلی اتخاذ می‌شود.

اینکه اخیرا عالی ترین مقام اجرایی کشور بیان می‌کند: «جوانان هم شنیده شدن صدایشان و هم اثرگذاری فکر و اراده‌شان در حاکمیت را خواستارند... ما باید زمان‌شناس باشیم چرا اگر زمان و شرایط خود را نشناسیم، انجام وظیفه هم برای ما سخت و دشوار خواهد بود... باید راه و مسیر مورد پسند آنان (جوانان) در اراده و خواست حاکمیت همواره تاثیر گذار باشد» یا در جای دیگری عنوان می کند «گوش همه مسئولین کشور باید در برابر مطالبات و خواست مردم، گوش شنوایی باشد، رژیم گذشته‌ای که فکر می کرد سلطنتش مادام‌العمر و حکومت سلطنتی ابدی دارد به این دلیل همه چیز را از دست داد که صدای نقد و نصیحت مردم و صدای مصلحان، ناصحان، علما و بزرگان و فرهیختگان را نشنید» نه تنها اپوزیسیون نمایی است و گرهی از مشکلات کشور باز نمی کند بلکه گام مهمی در جهت «ناکارآمد نشان دادن حاکمیت اسلامی» است.

اینکه عالی ترین مقام اجرایی کشور در جایگاه منتقد سیاست‌های نظام می‌نشیند، در حالی است که مهمترین کسی که با انبوهی از اختیارات گسترده که می‌تواند پاسخ مناسبی به خواسته‌های قانونی قشر جوان دهد، خود وی است.